



فلسفه نه علم است نه دین / فلسفه، آزادی مطلق است

دکتر دینانی با بیان اینکه فلسفه آزادی مطلق است گفت: فلسفه نه دین است و نه علم. حقیقت فلسفه، آگاهی است و آگاهی همیشه معاصر است.

دکتر دینانی با بیان اینکه فلسفه آزادی مطلق است گفت: فلسفه نه دین است و نه علم. حقیقت فلسفه، آگاهی است و آگاهی همیشه معاصر است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در ادامه نشست فلسفه معاصر ایران و ترکیه که امروز صبح در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، با بیان اینکه آقای دکتر اینام بیشتر از صداقت و صمیمیت صحبت کردند و آنها را از ویژگی های فلسفی دانستند، عنوان کرد: اما بیش از هر چیزی من این صفات را یعنی صمیمیت و صداقت را در خود ایشان دیدم.

وی افزود: دکتر اینام چندین خاصیت برای فلسفه برشمرد. من یکی دیگر اضافه می کنم و آن اینکه فلسفه اشتباه و صواب ندارد. علم، صواب و خطا دارد. در دین حق و باطل وجود دارد اما فلسفه نمی گوید که چیزی حق یا باطل یا درست یا غلط است. فلسفه چیزی را کنار می گذارد و چیزی را انتخاب می کند. کنار گذاشتن به معنی بطلان نیست و انتخاب کردن به معنی درست بودن آن چیز نیست.

دینانی در ادامه گفت: چرا چنین است؟ به خاطر اینکه فلسفه آزادی مطلق است. پس این تفاوت اساسی که بین علم و فلسفه و فلسفه و دین از سوی دیگر است، در اینجا پدیدار می شود. فلسفه نه دین است و نه علم. حقیقت فلسفه، آگاهی است و آگاهی همیشه معاصر است. فلسفه که تفکر آزاد است نگاه به یک افق است و آن افق بیکرانه است.

وی با اشاره به آیه قرآن که می گوید انسان افق دارد و افق آن هم در این عالم است و از درون است، گفت: از اینجا می توانیم تفاوت اندیشه فلسفی و هر اندیشه دیگری را ببینیم. اندیشه فلسفی با آن چیزی که مواجه نشده است، نمایان نمی شود. فلسفه تنها تفکری است که در سطح حرکت نمی کند، بلکه همواره از سطح به ژرفا و عمق می رود. مهم ترین نکته در فلسفه خوب گوش دادن است.

چهره ماندگار فلسفه اظهار کرد: من الان مطلبی را از یک مرد بزرگ که مقبره اش در ترکیه است و هم ترک ها و هم فارس ها به آن افتخار می کنند، یعنی مولانا جلال الدین بلخی نقل می کنم. او در کتاب کبیر و بی نظیر خود در کل تاریخ با اینکه مؤمن است «بسم الله» نمی گوید و می گوید: بشنو از نی چون حکایت می کند. تمام کتاب ها با «بسم الله» شروع شده اند، اما در کتاب مولوی با «بشنو» شروع می کند. چرا مولانا این کار را کرده است؟ مادامی که گوش نباشد، اسم خدا شنیده نمی شود. حالا گوش، اول است یا بسم الله؟ گوش.

دینانی خاطرنشان کرد: قرآن وقتی یک عده ای را می خواهد مذمت کند می گوید صَمُّ بَكْمَ عُمِّيْ فَهَمْ لَا يَعْقِلُوْنَ اول می گوید کردند و چون کردند، پس لالند و اگر کردند و لالند، پس بی شعور هم هستند. پس به این دلیل است که مولانا که حکیم است به پیروی از قرآن برای گوش اهمیت قائل است. چرا وقتی که گوش باشد، زبان هم هست و وقتی که گوش باشد آزادی هم هست و آزادی، راه فلسفه است.

فلسفه معاصر در ترکیه و ایران

وی ادامه داد: پیروان ادیان هرگز با همدیگر کنار نمی آیند، نژادها به سختی می توانند کنار هم باشند، تنها زبان مشترکی که می تواند همه ادیان و همه آدمیان را کنار هم بنشانند که گفتگو کنند، فلسفه است. دین مقدس اسلام یکی از بزرگترین ادیان است که به تفکر و تعقل بسیار دعوت می کند. تنها مردمانی که زیر پرچم اسلام رفته اند و با تعقل عمل کردند دو کشور ترکیه و ایران هستند، اما کشورهایی که زیر تعقل نرفتند و مسلمان شدند امروزه نمونه آنها را در داعش می بینیم.

این چهره ماندگار فلسفه افزود: اسلام اگر با تفکر و تعقل همراه نباشد، آثارش همین است که در طالبان، داعش و بوکوحرام می بینید. خوشبختانه در میان ملت ایران و ترکیه که حس می کنم جز تفاوت زبانی از نظر فرهنگی هیچ تفاوتی ندارند این دو کشور فرهنگ اسلام را نوشتند و بالا بردند و به جهانیان نشان دادند، دیگران فقط خوردند و بردند و ...

دینانی گفت: می دانیم همان طور که در ایران افراد زیادی داریم که با فلسفه مخالفند در ترکیه هم این افراد وجود دارند، اما اینها نمی دانند که اگر فلسفه از انسان گرفته شود انسان جز یک موجود منجمد چیزی بیشتر نیست. نمونه این مطلب که ما امروز و شما هم با آن گرفتارید، وهابیت است که منشعب از تفکرات ابن تیمیه است.

وی در ادامه با اشاره به کتاب ابن تیمیه اذعان کرد: ابن تیمیه کتاب بزرگی دارد که در آنجا با توجه به شناختی که از قرآن دارد می گوید عقل خوب است، اما کارش این است که دست آدم را می گیرد و به دست پیامبر(ص) می دهد و بعد می رود. شما باید از آن بپرسید که آن عقل که بنده و شما را می برد و دست در دست پیامبر(ص) می گذارد، کجا می رود و چه کسی می خواهد بفهمد که اگر عقل برود، چه کار باید کرد. ابن تیمیه، نمی داند چه جوابی می دهد.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در پایان با اشاره به عقل ابزاری و پوزیتیویسم گفت: اگر فلسفه و تفکر عمیق فلسفی نباشد نه دین درست فهمیده می شود و نه زندگی راه درست خودش را می پیماید. البته علم راه خود را می رود، اما بدون هدف. بشر سرگردان و مضطرب بدون تفکر راستین فلسفی خواهد بود.